



نقطه آغاز قیام امام حسین (ع) مسئله حکومت و عدم صلاحیت یزید است

اصل جرعه قیام امام حسین (ع) با بحث حکومت است که آیا یزید صلاحیت دارد یا ندارد. در گفتگویی که بین امام حسین (ع) و مروان اتفاق افتاده تاکید بر همین صحبت‌ها است.

اصل جرعه قیام امام حسین (ع) با بحث حکومت است که آیا یزید صلاحیت دارد یا ندارد. در گفتگویی که بین امام حسین (ع) و مروان اتفاق افتاده تاکید بر همین صحبت‌ها است.

به گزارش خبرنگار مهر، ماه محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر واقعه ای بزرگ را در دل خود دارد که نقطه عطف مبارزه با ظلم و کج روی‌ها برای بقای اسلام اصیل است، قیامی که از سوی امام حسین (ع) چنان حادثه ای را در تاریخ اسلام و حتی جهان رقم زد که منشأ قیام‌های پس از خود و انقلاب‌های بزرگ جهانی شد.

زنده ماندن عاشورا پس از قرن‌ها از این اتفاق نشان دهنده عمق مبارزه و اثرگذاری این حرکت حتی با وجود تعداد اندک قیام کنندگان است. امام حسین با ۷۲ تن از یارانش چنان حماسه ای را رقم زد که به گفته خود ایشان نجات دهنده اسلام و مانع انحراف از خط اصلی دین شد. مسئله حکمرانی قیام عاشورا علیه حاکمیت یزید و امویان موضوعی است که حجت الاسلام نجف لک زایی رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در سلسله مباحثی به آن پرداخته است و خبرگزاری مهر در نظر دارد که آن را در طول دهه محرم منتشر کند. بخش‌های گذشته این سخنان پیش از این منتشر شد و حال بخش سوم آن را می‌خوانید.

فرمان یزید برای بیعت اجباری از امام حسین (ع) در نیمه شب

انسان‌ها چه خواهند و چه نخواهند با حکومت‌ها درگیر و مرتبط هستند. بسیاری از نیازهای ما از طریق حکومت‌ها برطرف می‌شوند و این مهم است حکمرانی بر مبنای صلاح باشد یا فساد، مبتنی بر تأمین منافع مردم یا در پی آسیب زدن به مردم باشد، رحمانی یا توحیدی باشد یا شیطانی و طاغوتی.

یکی از فرمایشات امام حسین (ع) که نشان دهنده این ۲ نوع حکمرانی و دفاع از حکمرانی رحمانی و نفی حکمرانی طاغوتی است در ماجرای مرگ معاویه است. وقتی معاویه از دنیا رفت طبق وصیتش یزید به حکومت رسید و وقتی یزید به حکومت رسید طبق آنچه در تاریخ گزارش شده در نیمه ماه رجب نامه‌هایی به فرمانداران نوشت و از فرمانداران خواست از مردم بیعت بگیرند و اینگونه بگوید که حکومت مبتنی بر رأی و بیعت مردم است. در کنار نامه ای که برای فرماندار مدینه نوشت یادداشت کوچکی هم داد که حسین و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر را دعوت کن و شدت عمل به خرج بده تا بیعت کنند. یعنی تحت فشار بیعت بگیر و تا بیعت نکردند مجال کار دیگری به آنان نده. عبدالله بن زبیر از امام حسین (ع) می‌پرسد چه شده که فرماندار ما را در این نیم شب احضار کرده است؟ امام حسین (ع) فرمود چنین به نظر می‌رسد معاویه مرده و فرماندار می‌خواهد برای یزید از ما بیعت بگیرد.

ماجرای حضور امام حسین (ع) در کاخ ولید

هرکدام از این افراد جدا رفتند و امام حسین (ع) به همراه ۳۰ نفر از اصحاب و یاران راهی کاخ ولید شد تا اگر مشکلی پیش آید از مکان خارج شود و ناگزیر به بیعت با یزید نباشد. امام رفت، گفت و گویی صورت گرفت و ولید مطلب را به امام گفت. امام فرمودند این بیعت نیمه شب چه به درد می‌خورد اگر بیعت می‌خواهید باید در منظر مردم باشد. ولید پذیرفت ولی مروان حاکم پیشین مدینه گفت نگذارید حسین بن علی (ع) برود چنانچه برود دیگر بیعت با او امکان پذیر نیست. اینجا امام حسین (ع) ولید را مخاطب قرار داد و گفت ای ولید، ما اهل بیت نبوت هستیم، ما معدن رسالت هستیم، ما محل آمد و شد ملائکه هستیم و در خانه ما ملائکه رفت و آمد می‌کنند و خانه ما محل نزول رحمت خداوند است. خدای متعال امور را به وسیله ما می‌گشاید و ختم می‌کند. در حقیقت امام حسین (ع) صفات اهل بیت (ع) را روایت می‌کند و سپس به توصیف یزید می‌پردازد و می‌گوید یزید شارب خمر است. یزید قاتل جان انسان‌های محترم است. سپس اسامی افرادی که به دست یزید کشته شدند را می‌آورد که اینها را به چه جرمی به شهادت رساندید. سوم اینکه یزید به صورت آشکار و علنی مرتکب فسق می‌شود و روشن است کسی مثل من از خاندان وحی با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند. اما فرمودند ما منتظر می‌مانیم شب را به صبح آوریم و آنوقت می‌بینید که چه اتفاقی خواهد افتاد و تاریخ قضاوت خواهد کرد ما به خلافت سزاوارتریم یا یزید.

نکته بسیار مهم این است هنوز هیچ نامه ای از سوی مردم کوفه نیامده. تازه معاویه از دنیا رفته و یزید به خلافت رسیده است.

بحث امام حسین (ع) این است کسی مثل یزید لیاقت و شایستگی حکمرانی برای جامعه اسلامی را ندارد. حکمرانی رحمانی و توحیدی که تاکید و تأیید قرآن است لیاقت کسی است که از عهده اش بر بیاید. کسی که فسق آشکار می کند، بیگناهان را می کشد و شرب خمر می کند صلاحیت حکومت داری ندارد.

اصل جرعه قیام امام حسین (ع) با بحث حکومت است که آیا یزید صلاحیت دارد یا ندارد. در گفتگویی که بین امام حسین (ع) و مروان اتفاق افتاده تاکید بر همین صحبت ها است. چون مروان به ولید گفت نگذار حسین بن علی برود وگرنه نمی توانی بیعت بگیری مگر متوسل به شمشیر شوی. اینجا حضرت به مروان می گوید تو مرا می کنشی یا ولید؟ دروغ می گویی و گناه می کنی. یعنی شما کارتان قتل انسان های بی گناه است.

خیرخواهی جاهلانه مروان برای امام

در نقل صاحب لهوف آمده است همان شب در بیرون مجلس امام حسین (ع) بار دیگر چشمش به مروان افتاد و مروان به امام نزدیک شد و گفت یا اباعبدالله من خیرخواه تو هستم و پیشنهادی می کنم که به خیر و صلاح شماست. امام فرمود پیشنهاد تو چیست؟ مروان گفت با یزید بیعت کن که به نفع دین و دنیا باشد. امام این تعبیر مهم را دارد که انا لله وانا الیه راجعون و علی الاسلام السلام از قد بلیت الامة براع مثل یزید. یعنی این چه حرفی است تو میزنی با فرمانروایی مثل یزید فاتحه اسلام خوانده است، ما برای اسلام جان خود را می دهیم. بعد فرمودند من از جدم رسول خدا شنیدم که حکومت بر آل ابی سفیان حرام است و هرگاه معاویه را بر منبر من دیدید بکشید.

اگر مردم خودشان در برابر حکمرانی نامطلوب اقدام نکنند به سخنان امام و رهبران دینی گوش ندهند وضعشان از نظر حکمرانی بدتر می شود لذا امام حسین (ع) وظیفه داشت حکومتی که سرانجامش از بین رفتن اسلام است پیدا نکند.